



مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی
کتاب دوم

جرم و جرم‌شناسی

متن درسی نظریه‌های جرم و کجروی

ترجمه تطبیقی ویراست نخست و دوم، همراه با شرح
بیش از دویست واژگان کلیدی و واژه‌نامه انگلیسی-فارسی

راب وایت - فیونا هینز

ترجمه علی سلیمی

با همکاری

محسن کارخانه و فرید مخاطب قمی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پاییز ۱۳۹۴

وایت، رابرت داگلاس، ۱۹۵۶ - م. White, Robert Douglas

جرم و جرم‌شناسی / مؤلفان رابرت داگلاس وایت، فیونا هینز؛ مترجم علی سلیمی؛ با همکاری محسن کارخانه، فرید مخاطب‌قمی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳.

۵۱۲ ص. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۸۲. علوم اجتماعی؛ ۱۰)

ISBN: 978-964-7788-21-2

بها: ۲۶۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. [۴۳۷] - ۴۶۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.

چ. ۲: ۱۳۸۵. چ. ۳: ۱۳۸۶. چ. ۴: ۱۳۹۰. چ. ۵: ۱۳۹۲. چ. ۶: ۱۳۹۲، بها: ۱۲۸۰۰ تومان.

واژه‌نامه.

نمایه.

۱. جرم‌شناسی. الف. هینز، فیونا Fiona Haines. ب. سلیمی، علی، ۱۳۴۱ - مترجم.

ج. کارخانه، محسن، مترجم. د. مخاطب‌قمی، فرید، مترجم. ه. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. و. عنوان.

ز. عنوان: جرم و جرم‌شناسی: متن درسی نظریه‌های جرم و کجروی: ترجمه تطبیقی ویراست نخست

و دوم... و واژه‌نامه انگلیسی - فارسی.

۳۶۴

۴ ج ۲ و ۶۰۱۸ HV

۱۵۲۳ - ۸۳ م

کتابخانه ملی ایران



جرم و جرم‌شناسی؛ متن درسی نظریه‌های جرم و کجروی

مؤلفان: راب وایت و فیونا هینز

مترجم: علی سلیمی

با همکاری: محسن کارخانه و فرید مخاطب‌قمی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار: ۸۲؛ علوم اجتماعی: ۱۰)

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ هفتم: پاییز ۱۳۹۴ (چاپ ششم: زمستان ۱۳۹۲)

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه □ تلفن: ۳۲۱۱۱۱۰۰ (۰۲۵) انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰

نماینده: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ □ تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو □ تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

فهرست مطالب

فهرست جدول‌ها	۸
سخن پژوهشگاه	۹ - ۱۰
سخن مترجم	۱۱ - ۳۲
پدیده‌های حقوقی و مطالعات اجتماعی	۱۱
مطالعات جرم‌شناختی: واگرایی‌ها و پیامدهای آن	۱۳
ایران و مطالعات تجربی جرم و مجرم‌پیداها	۱۶
تلاش‌های همکاران مترجم	۲۲
درباره این کتاب	۲۴
درباره نویسندگان	۲۶
درباره این ترجمه	۲۸
تشکر و تقدیر	۳۱
فصل نخست: مطالعه جرم	۳۳ - ۷۱
جرم‌شناسی به عنوان یک قلمرو تحقیقی	۳۴
تعریف جرم	۴۱
تعریف‌های قانونی و جامعه‌شناختی جرم	۴۲
ساخت‌ها و معانی تاریخی جرم	۴۶
تصویرهای رایج رسانه‌ای درباره جرم	۴۹
سنجش جرم	۵۳
دیدگاه‌های جرم‌شناختی	۵۶
سطح‌های تحلیل	۵۸
جهت‌گیری‌های سیاسی	۶۲
نتیجه‌گیری	۶۹

فصل دوم: نظریه کلاسیک	۷۳ - ۹۹
مقدمه	۷۳
زمینه اجتماعی	۷۳
مفاهیم اساسی	۸۲
تحولات تاریخی	۸۷
نمونه‌های معاصر	۹۱
نقد و بررسی	۹۵
نتیجه‌گیری	۹۷
فصل سوم: اثبات‌گرایی زیستی و روانی	۱۰۱ - ۱۳۶
مقدمه	۱۰۱
زمینه اجتماعی	۱۰۲
مفاهیم اساسی	۱۰۸
تحولات تاریخی	۱۱۱
اثبات‌گرایی زیستی	۱۱۱
اثبات‌گرایی روانی	۱۱۵
نمونه‌های معاصر	۱۱۸
نقد و بررسی	۱۲۶
نتیجه‌گیری	۱۳۴
فصل چهارم: نظریه فشار	۱۳۷ - ۱۷۷
مقدمه	۱۳۷
زمینه اجتماعی	۱۳۸
مفاهیم اساسی	۱۴۱
تحولات تاریخی	۱۴۵
جرم و فرصت	۱۵۱
جرم و فرهنگ	۱۵۸
نمونه‌های معاصر	۱۶۲
نقد و بررسی	۱۶۹
نتیجه‌گیری	۱۷۴

فصل پنجم: دیدگاه‌های برچسب زنی ۱۷۹ - ۲۱۰

مقدمه	۱۷۹
زمینه اجتماعی	۱۸۰
مفاهیم اساسی	۱۸۵
تحولات تاریخی	۱۸۸
نمونه‌های معاصر	۱۹۹
نقد و بررسی	۲۰۳
نتیجه‌گیری	۲۰۸

فصل ششم: جرم‌شناسی مارکسیستی ۲۱۱ - ۲۴۵

مقدمه	۲۱۱
زمینه اجتماعی	۲۱۲
مفاهیم اساسی	۲۱۶
تحولات تاریخی	۲۲۲
نمونه‌های معاصر	۲۳۰
نقد و بررسی	۲۳۷
نتیجه‌گیری	۲۴۳

فصل هفتم: دیدگاه‌های فمینیستی ۲۴۷ - ۲۸۷

مقدمه	۲۴۷
زمینه اجتماعی	۲۴۸
فمینیسم لیبرال	۲۵۴
مارکسیسم فمینیسم	۲۵۴
فمینیسم رادیکال	۲۵۵
فمینیسم سوسیالیست	۲۵۶
فمینیسم فرهنگی	۲۵۷
جرم زنان	۲۵۷
مفاهیم اساسی	۲۶۱
تحولات تاریخی	۲۶۴
تبیین‌های زیستی	۲۶۵
نظریه‌های جامعه‌پذیری	۲۶۷

۲۶۸	پاسخ جرم‌شناسان فمینیست
۲۷۵	نمونه‌های معاصر
۲۸۳	نقد و بررسی
۲۸۵	نتیجه‌گیری
۲۸۹ - ۳۲۰	فصل هشتم: جرم‌شناسی راست جدید
۲۸۹	مقدمه
۲۹۰	زمینه اجتماعی
۲۹۸	مفاهیم اساسی
۲۹۹	دیدگاه اختیارگرایی جناح راست
۳۰۳	دیدگاه سنت‌گرایی محافظه‌کار
۳۰۵	تحولات تاریخی
۳۰۸	نمونه‌های معاصر
۳۱۵	نقد و بررسی
۳۱۸	نتیجه‌گیری
۳۲۱ - ۳۵۳	فصل نهم: واقع‌گرایی چپ
۳۲۱	مقدمه
۳۲۲	زمینه اجتماعی
۳۲۷	مفاهیم اساسی
۳۳۳	تحولات تاریخی
۳۳۵	روایت‌های نخستین
۳۴۲	موج دوم
۳۴۵	نمونه‌های معاصر
۳۴۸	نقد و بررسی
۳۵۲	نتیجه‌گیری
۳۵۵ - ۳۹۰	فصل دهم: نظریه جمهوری خواه
۳۵۵	مقدمه
۳۵۶	زمینه اجتماعی
۳۶۳	مفاهیم اساسی

تحولات تاریخی	۳۶۷
نمونه‌های معاصر	۳۷۵
نقد و بررسی	۳۸۲
نتیجه‌گیری	۳۸۹
فصل یازدهم: دیدگاه جرم‌شناسی انتقادی	۳۹۱ - ۴۲۹
مقدمه	۳۹۱
زمینه اجتماعی	۳۹۲
مفاهیم اساسی	۳۹۹
جرم‌شناسی ساختارگرا	۴۰۱
پسانوگرایی	۴۰۶
تحولات تاریخی	۴۱۲
نمونه‌های معاصر	۴۱۶
نقد و بررسی	۴۲۲
نتیجه‌گیری	۴۲۷
فصل دوازدهم: نتیجه‌گیری	۴۳۱ - ۴۳۶
فهرست منابع	۴۳۷ - ۴۵۴
منابع مورد استفاده در ترجمه	۴۵۵ - ۴۶۱
منابع فارسی	۴۵۵
منابع انگلیسی	۴۵۸
واژه‌نامه	۴۶۲ - ۴۸۴
نمایه موضوعی	۴۸۵ - ۵۰۳
نمایه واژگان شرح شده در پاورقی	۵۰۵ - ۵۱۴
معادل‌های فارسی	۵۰۵
واژگان انگلیسی	۵۰۹

فهرست جدول‌ها

جدول ۱.۱: تعریفی رادیکال از جرم.....	۶۷
جدول ۲.۱: نظریهٔ کلاسیک.....	۸۳
جدول ۳.۱: رویکردهای اثبات‌گرا.....	۱۰۸
جدول ۴.۱: نظریهٔ فشار.....	۱۴۲
جدول ۵.۱: دیدگاه‌های برچسب‌زنی.....	۱۸۵
جدول ۶.۱: دیدگاه جرم‌شناسی مارکسیستی.....	۲۱۷
جدول ۷.۱: دیدگاه‌های فمینیستی.....	۲۶۱
جدول ۷.۲: زنان و جرم.....	۲۷۰
جدول ۸.۱: اختیارگرایی جناح راست.....	۳۰۰
جدول ۸.۲: دیدگاه محافظه‌کار.....	۳۰۳
جدول ۹.۱: دیدگاه واقع‌گرایی چپ.....	۳۲۸
جدول ۱۰.۱: نظریهٔ جمهوری خواه.....	۳۶۳
جدول ۱۱.۱: جرم‌شناسی ساختارگرا.....	۴۰۲
جدول ۱۱.۲: پسانوگرایی.....	۴۰۶
جدول ۱۲.۱: فرض‌های زیربنایی نظریه‌های جرم‌شناختی.....	۴۳۴

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیتهای عینی و فرهنگ و ارزشهای اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهشها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیتهای جامعه از یک سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسایل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیتهای آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و فصلنامه علمی - تخصصی و دوفصلنامه‌های علمی - پژوهشی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان متن درسی برای دانشجویان رشته‌های حقوق، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی، روان‌شناسی و علوم تربیتی در مقطع‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد، تألیف و ترجمه شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند گردند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، انتقاد و پیشنهادهای خود، این پژوهشگاه را در جهت ارتقای سطح علمی پژوهش‌ها و عرضه هرچه بهتر کتاب‌ها و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه علمی یاری فرمایند.

در پایان، پژوهشگاه لازم می‌داند از آقای علی سلیمی و همکاران ایشان آقایان محسن کارخانه و فرید مخاطب‌قمی و همچنین آقای دکتر مسعود گلچین که وظیفه نظارت بر ترجمه ویراست نخست کتاب را عهده‌دار بودند، سپاس‌گزاری نماید.

به نام او

سخن مترجم

پدیده‌های حقوقی و مطالعات اجتماعی

پیشینه توجه به طبیعت اجتماعی پدیده‌های حقوقی را می‌توان در گذشته‌های دور اندیشه بشر پی‌گرفت؛ اما مطالعه اجتماعی این پدیده‌ها، در معنای خاص و رایج آن، قدمت چندانی ندارد. به بیان دیگر، صرفاً از اواخر قرن نوزدهم میلادی است که مطالعه تجربی این پدیده‌ها جایگاه خود را در قلمرو مطالعات اجتماعی و خردورزی‌های حقوقی به دست آورده و به‌ویژه، بررسی کارآمدی اجتماعی نهادها، قواعد، مقررات، قوانین، رویه‌ها و دیگر ضمانت‌های اجرایی حقوقی و جزایی، از اهمیتی برخوردار شده است.

از جمله دلایل این توجه، آشکار شدن جایگاه تعیین‌کننده واقعیت‌های زیر است: نخست آنکه، پدیده‌هایی که به هر دلیل در گستره توجه مباحث حقوقی قرار می‌گیرد، پیش از هر چیز، مصداقی از مناسبات میان انسان‌ها و مشمول‌الگوها و قوانین حاکم بر آنهاست؛ دوم آنکه، ضمانت‌های اجرایی یاد شده با هدف نظم‌بخشیدن به این مناسبات و ایجاد یا حفظ تعادلی پایدار در عرصه آنها، پیش‌بینی و تدوین می‌شود و چون از پشتوانه تقنینی و اجرایی دولتی برخوردار است، ناگزیر جامعه عمل به خود می‌پوشد و تأثیر خود را بر مناسبات یاد شده و الگوهای حاکم بر آن برجا می‌گذارد؛ و سوم آنکه، موجودیت و حیات انسان، در هر دو قلمرو فردی و اجتماعی خود، طبیعتی صرفاً اثرپذیر ندارد و خود را به سادگی در معرض تغییر قرار نمی‌دهد.

حاصل آنکه، عالمان امروز حقوق - و در تعبیری دقیق‌تر، اندیشمندان معاصر علوم اجتماعی - دریافته‌اند که پدیده‌های حقوقی را باید در بستر روابط دوسویه، تنگاتنگ و پیچیده آنها با ابعاد متفاوت حیات فردی و اجتماعی انسان مطالعه کرد و کار پیش‌بینی و تدوین ضمانت‌های اجرایی حقوقی و جزایی را براساس عنایتی بنیادین به پیچیدگی‌ها و حساسیت‌های موجود در مناسبات میان انسان‌ها و توجه به همسازی این مناسبات با آن ابزارها، پیش برد. همچنین اینکه در این بین، پویایی محورهای مورد مطالعه را پیوسته به عنوان عنصری اساسی مد نظر داشت. آنان آزمون تجربی این همسازی را نیز معیاری علمی برای سنجیدن کارآمدی آن ضمانت‌های اجرایی می‌دانند و انجام این آزمون‌ها را در دو شکل کلی زیر تصویر می‌کنند:

- نخست، مطالعه پیشینی که به معنای بسترسنجی ایجاد یک نهاد یا اجرای یک قاعده، قانون یا ... است و از جمله بدین نکته توجه دارد که پیش‌بینی و وضع و تدوین آنها براساس شناخت صحیح و تبیین دقیق مشکل و به شکلی متناسب با ابعاد آن صورت پذیرفته باشد؛

- دوم، مطالعه پسینی که به بررسی بازخوردها و پیامدهای عملی اجرای آن ضمانت‌های اجرایی می‌پردازد.

کوتاه سخن آنکه، نکته بالا از جمله استدلال‌هایی است که در حوزه‌های معاصر علوم اجتماعی، ضرورت مطالعه تجربی پدیده‌های حقوقی را در ابعاد گوناگون روان‌شناختی، روان‌شناختی اجتماعی و جامعه‌شناختی توجیه می‌کند و در جمع با دلایلی از جمله ضروری بودن مطالعه و فهم این پدیده‌ها به عنوان یک هدف علمی محض، شکوفایی درخور توجه این‌گونه مطالعات را در پی داشته است. هرچند حضور مؤثری که یافته‌های این قبیل مطالعات در عرصه‌های کاربردی و اجرایی دارد، همچنان مرهون ارتباط تنگاتنگی است که میان نظام حقوقی - در معنای عام آن - و حوزه‌های گوناگون مناسبات انسانی مشاهده می‌شود.

نکته شایان توجه در همین راستا، تأکیدی است که اندیشمندان این حوزه بر ضرورت مطالعه جرم و کجروی و راه کارهای رویارویی با آن دارند. این نیز از آن روست که این پدیده، همواره ناقض موجودیت و بقای روند متعارف حیات در جامعه‌های انسانی به شمار آمده و پیوسته با الگوهای حاکم بر مناسبات میان انسان‌ها، در چالش بوده است. پس در چهره‌ای به مراتب «نماین»‌تر و حساسیت‌برانگیزتر چهره نموده است. این ویژگی، همچنین موجب شده است تا حوزه‌های متعدد و کاملاً متنوع تفکر و

پژوهش، در گستره‌ای احتمالاً به قدمت عمر بشر، به خدمت مطالعه آن درآید و در نهایت، انبوهی از دستاوردهای پراکنده و متعلق به رشته‌های متفاوت علمی را به نام ادبیات مطالعه جرم و کجروی، در اختیار دانش پژوهان و پژوهشگران قرار دهد؛ دستاوردهایی که همگی در مسیر پی‌جویی هدفی واحد و در راستای ترمیم علمی نارسایی‌های موجود در قلمرو رویارویی با این پدیده، پا به عرصه وجود نهاده است.

در این میان، می‌توان شاهد تلاش‌های محققانی بود که دست به کار سامان دادن به پراکندگی‌های موجود در دستاوردهای این حوزه مطالعاتی شده و کوشیده‌اند تا همچنان که آن دستاوردها را در درون پیکره‌ای هرچند کلی، اما واحد گرد هم می‌آورند، اصول و ضوابطی همسان را به عنوان معیارهای مطالعه و پژوهش در درون این قلمرو تدوین کنند. امروزه از این پیکره با نام «جرم‌شناسی» یاد می‌شود و درونمایه کلی آن را انواعی از فعالیت‌های نظری و تجربی تشکیل می‌دهد که با هدف شناخت دقیق و همه‌جانبه «جرم» و سامان‌دهی علمی رویارویی با آن صورت می‌پذیرد. واقعیت هم آن است که ارتباط تنگاتنگ و حساسیت برانگیز این فعالیت‌ها با مضمون نظم‌دهی به مناسبات انسانی، آن را به یکی از بسترهای اصلی نگاه تجربی به پدیده‌های حقوقی بدل ساخته و در همان حال، سبب شده است تا از آن فعالیت‌ها به عنوان یکی از مسأله‌آفرین‌ترین گستره‌های این نوع نگاه یاد شود.

مطالعات جرم‌شناختی: واگرایی‌ها و پیامدهای آن

با این حال و به‌رغم تمامی تلاش‌های انجام شده، بسیاری از جرم‌شناسان برآنند که وجود واگرایی‌های خاص در دستاوردهای مطالعات جرم و کجروی، همچنان موانعی سترگ را در راه سامان یافتن آنها ایجاد کرده و می‌کند. به نظر آنان، این واگرایی‌ها خود را در چهره‌های زیر جلوه‌گر ساخته و ابهام‌هایی جدی را در مرزبندی‌های درون و پیرامون قلمرو «جرم‌شناسی» به عنوان «یک رشته علمی واحد» پدید آورده است:

- نخست، اختلاف‌هایی که در عرصه تعریف و تعیین گستره مفهومی جرم وجود دارد و سرچشمه آن، «چندگانگی»، «ناپایداری» و حتی «نامعقولی» این پدیده است؛ اموری که آنها را «ویژگی ذاتی» جرم می‌دانند و بیش از هر چیز، فهم، تعریف، تبیین و سنجش آن را با دشواری مواجه می‌سازد؛

- دوم، وجود چشم‌اندازهای نظری و تجربی کاملاً متفاوت به مسأله جرم که از یک سو، از متفاوت بودن حوزه‌های معرفتی مرتبط با این مطالعه - از سیاست گرفته تا

حقوق، الهیات، اخلاق، فلسفه، آمار و... نشأت گرفته است؛ و از سوی دیگر، محصول حکمفرمایی آموزه‌های متنوعی بر دیدگاه‌های این عرصه است که «بیشتر رنگ و بوی متافیزیکی دارد، تا عقلانی و علمی». چنین تفاوتی نه تنها خود را در چهره نظریه‌های متنوعی نشان داده که در قلمرو رشته‌های مختلف علمی وجود دارد^۱، که به شکل‌گیری دغدغه‌های فکری متمایزی در میان محققان این حوزه انجامیده است؛

- سوم، «سهم» مهم و انکارناپذیری که یافته‌های علوم پیش گفته در پرده برداشتن از بخشی از چهره ناآشکار جرم و کجروی به خود اختصاص داده است؛ سهمی که به خودی خود، عاملی برای پایدار ماندن نزاع و باقی ماندن هر یافته در صحنه پیکار با اندیشه‌های رقیب بوده و با این حال، در کنار «انحصارطلبی»های عالمان و تمایل آنان به کسب یا حفظ «غنیمت»هایی قرار گرفته است که در ازای آن «سهم» برای حوزه مطالعاتی خود قائل بوده‌اند. در نتیجه، هر رشته نه فقط کوشیده تا «مهر» خود را بر تمامی این حوزه بزند، که در عرصه سیاست‌گذاری هم جایگاهی انحصاری برای خود تصویر کرده است. بدین ترتیب، در طول حیات این حوزه معرفتی، مقبول افتادن یک دیدگاه خاص حتی به از میان رفتن گونه‌هایی خاص از سیاست‌ها، شغل‌ها و نهادهای اجتماعی نیز انجامیده است؛

- چهارم، «گزینشی» بودن شناخت موجود از جرم که محصول فراگیری و هنگفتی این پدیده و محدودیت‌هایی است که در کار شناخت و تحلیل آن، برای محققان وجود داشته و دارد. حاصل چنین شناختی هم چیزی نبوده است جز به جا ماندن «چشم‌اندازهایی محدود» و «استنباط‌هایی ناقص» در این قلمرو که آن را از درون، به نوعی «فشار خودنسبی‌سازی» دچار نموده و نوعی «نسبیت‌گریزناپذیر» را به یافته‌های آن سرایت داده است.

واگرایی‌های یاد شده، پیامدهایی گریزناپذیر را در حوزه مطالعه جرم و کجروی در پی داشته است. از میان این پیامدها، به‌ویژه به برخورددار شدن بخش عمده‌ای از مباحث این قلمرو، از طبیعتی بین‌رشته‌ای اشاره می‌شود که سبب نیاز جدی پژوهشگران

۱. در این خصوص، برای نمونه می‌توان به سخن برخی محققان اشاره کرد که یادآور شده‌اند در هریک از حوزه‌های علمی موجود، دست کم یک نظریه در باب جرم و کجروی ارائه شده است؛ حوزه‌هایی از جمله زیست‌شناسی، ژنتیک، پزشکی قانونی، روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، فلسفه، حقوق، جامعه‌شناسی، اقتصاد، مردم‌شناسی، تعلیم و تربیت، تاریخ، مطالعات فرهنگی و ... (مثلاً، Wrightsman, L.S., et.al. (1998). *Psychology and the Legal System*. p. 103).

و دانش‌پژوهان، به آگاهی هم‌زمان از دانش‌های پایه‌ای علم‌هایی متعدد شده است. پیامد دیگر، پراکنده شدن فضاهای تدریس و تحقیق دانشگاهی این دست مباحث در درون دانشکده‌ها و گروه‌های علمی مختلفی از جمله حقوق، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و حتی مردم‌شناسی زیستی است. این وضعیت نیز افزون بر آنکه شکل‌گیری «رشته‌ها و زیررشته‌ها» علمی متعدد، اما کاملاً مرتبط با یکدیگر را در پی داشته است، به گوناگونی هرچه بیشتر یافته‌های این نوع مطالعه انجامیده (طبیعت بین‌رشته‌ای بودن مطالعات جرم و کجروی را پیچیده‌تر کرده) و احاطه یافتن بر ابعاد مختلف این معرفت را حتی برای اندیشمندان و پژوهشگران نیز دشوار ساخته است.

پیامد سوم، مشکلاتی است که در کار عرضه شدن یافته‌های این حوزه به مخاطبان و به‌ویژه دانشجویان پدید آمده است. این مشکل‌ها، در درجه اول و بیش از هر چیز، خود را در مسیر ارائه مباحث نظری جلوه‌گر می‌سازد که نخستین دروازه ورود به میدان فهم مسائل هر علم است. برای نمونه، برخی محققان یادآور شده‌اند که بسیاری از آثار موجود در حوزه مطالعه جرم و کجروی، با واژگانی «ستیزه‌جویانه، تعصب‌آمیز» و حتی «پرخاشگرانه»، به بیان «انبوه» نظریه‌های موجود پرداخته‌اند و در این راه، حتی از توسل فراوان به «ادعاها و انتقادهای تحکم‌آمیز» هم پرهیز نداشته‌اند و به طور خلاصه، فرایند ارائه مفاهیم و مباحث نظری این قلمرو به گونه‌ای است که «نمی‌تواند یادگیری نوآموزان را مد نظر داشته باشد و آنان را «بی‌تردید، آسیب‌پذیر می‌سازد». حتی کتاب‌های درسی هم «راهنماهایی اغلب ضعیف» به شمار می‌آید که «احتمالاً پس از مدتی، خواننده را به گیجی و ناکامی دچار می‌کند و یا اینکه او را مستعد نوعی پای‌بندی شتابزده به یک موضع می‌سازد»^۱.

حاصل آنکه، در حوزه مطالعه جرم و کجروی، کار تولید منابع نظری یا متون درسی مناسب و قابل اتکا و حتی دست یافتن به چنین منابعی و ترجمه آنها از ضرورتی دوچندان برخوردار است. شاهدی آشکار بر این ادعا، یادآوری نویسندگان کتاب حاضر است؛ آنجا که در دیباچه ویراست نخست، وجود چنین ضرورتی را عامل اصلی رو آوردن خود به تدوین این اثر قلمداد می‌کنند و پس از آنکه مباحث کتاب را محصول سال‌های متوالی تدریس در حوزه مباحث مقدماتی جرم‌شناسی در دانشگاه ملبورن

۱. ر.ک: Downes, D. & P. Rock (1998). *Understanding Deviance: ...* . pp. 1-25؛ همچنین برای

ملاحظه تفصیلی بیشتر درباره نکات ذکر شده در سطور بالا، ر.ک: سلیمی، علی و محمد داوری؛ جامعه‌شناسی

کجروی؛ ص ۱۰۱-۱۲۱.

استرالیا می‌دانند، با بیان زیر به این ضرورت، توجه می‌دهند:

در خلال این دوره، معلوم‌مان شد که وجود یک متن درسی مقدماتی در زمینه «نظریه‌های جرم‌شناسی» به شدت مورد نیاز است؛ به‌ویژه متنی که با هدف آشنا ساختن دانشجویان با مفاهیم و تبیین‌های کانونی موجود در این قلمرو، طراحی و تدوین شده باشد.^۱

البته، آنان همچنین کوشیده‌اند تا حاصل تلاش خویش را از کاستی‌های پیش گفته نیز به‌دور بدارند و چنانکه خواهیم دید، در این کار بی‌توفیق نمانده‌اند. در ادامه و هنگام سخن گفتن از امتیازهای این کتاب، بدین نکته باز خواهیم گشت.

ایران و مطالعات تجربی جرم و کجروی: بوده‌ها، باید‌ها

در این اوضاع و احوال، ارتباط تنگاتنگ حوزه‌های علوم اجتماعی، مجامع آموزشی و پژوهشی ایران را از آثار وضعیت یاد شده بی‌نصیب ننهاد است. اهمیت این تأثیرگذاری و گستره پیامدهای آن نیز تا آنجاست که می‌تواند موضوع یک مطالعه مستقل به حساب آید. با این حال، مجامع یاد شده و به‌ویژه حوزه‌های بومی مطالعه جرم و کجروی، همانند هر کشور دیگر، ویژگی‌ها و به تبع آن، مشکلات مخصوص به خود را دارد. افزون بر این، در اثرگذاری متقابل با تحولات تاریخی، سنت‌های سیاسی و همچنین محیط‌های فکری و دغدغه‌های اجتماعی موجود در جامعه خویش است و بر همین اساس، از تأکیدها و حتی سوگیری‌های نظری خاص و متفاوتی برخوردار شده است؛ واقعیت‌هایی که برای رسیدن به نتیجه‌ای پذیرفتنی، نمی‌توان آنها را از نظر دور داشت.

برای نمونه، نگاهی گذرا به برنامه‌های آموزشی برخی از رشته‌های علوم اجتماعی، پرده از این واقعیت بر می‌دارد که درونمایه‌هایی تقریباً همسان در قالب عنوان‌های درسی متعددی از جمله «جرم‌شناسی»، «جامعه‌شناسی جنایی»، «جامعه‌شناسی کجروی (آسیب‌شناسی اجتماعی)» و «بزهکاری اطفال»، در مقاطع مختلف رشته‌های متفاوت روان‌شناسی، علوم تربیتی، جامعه‌شناسی و حقوق تدریس می‌شود. این نیز در حالی است که شمار درخور توجهی از دیگر زیررشته‌های شکل گرفته در قلمرو مطالعه جرم، از جمله زیست‌شناسی جنایی، روان‌شناسی جنایی، روان‌کاوی جنایی، کیفرشناسی، سبب‌شناسی کیفری، جامعه‌شناسی کیفری، بزه‌دیده‌شناسی و کنترل اجتماعی هنوز کرسی‌های آموزشی جا افتاده‌ای را در این

1. White, R. & F. Haines (1996). *Crime and Criminology: An Introduction*. p. v.

قلمرو به خود اختصاص نداده است.

البته، چنانکه گذشت، همسانی‌های موجود در کار آموزش مباحث جرم‌شناختی به دانشجویان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی، شیوه‌ای است که در کشورهای دیگر هم مشاهده می‌شود و بیش از هر چیز نشان دهنده نیاز مشترک دانشجویان آن رشته‌ها به آگاهی‌هایی - هرچند اولیه - از یافته‌های جرم‌شناختی است؛ ضرورتی آشکار که شاید در بادی نظر، هیچ پرسشی را برنیا نگیزد. اما آنچه مسأله را با نکته مورد نظر در این سخن، مرتبط می‌سازد، بایسته‌هایی است که رعایت آنها در عرصه تدریس این مباحث ضرورت دارد و به‌ویژه در محیط‌های دانشگاهی بومی از اهمیتی دو چندان برخوردار است.

به بیان دقیق‌تر، تمامی رشته‌ها و زیررشته‌های علمی مرتبط با قلمرو مطالعه جرم و کجروی، هدف اساسی خود را «بهینه‌سازی فرایند رویارویی با جرم و کجروی» می‌دانند و تحقق این هدف را در پرتو فهم علمی این پدیده و شناسایی و پیش‌بینی راه‌کارهای مناسب و کارآمد رویارویی با آن، در ابعاد متفاوت زیستی، روانی و اجتماعی، میسر می‌شمرند. از سوی دیگر نیز این واقعیت را انکار نمی‌کنند که «کارآمد بودن» یک راه‌کار مقابله با جرم، مضمونی نسبی است و پیوندی تنگاتنگ با بسترهای اجتماعی و فرهنگی جامعه‌های مختلف دارد. بدین ترتیب، در قلمرو این علوم، آشنایی داشتن دانش‌پژوهان و پژوهشگران با دانش‌های گوناگون زیر، مقدمه‌ای گریزن‌ناپذیر برای ورود مؤثر آنان در عرصه فعالیت‌های علمی به حساب می‌آید:

- نخست، آشنایی با گستره مباحث نظری موجود در زمینه شناخت و تبیین جرم که مقدمه‌ای اساسی برای دست یافتن به فهم علمی این پدیده و علل شکل گرفتن آن است؛ به‌ویژه، نظریه‌های جامعه‌شناختی که این فهم را به بسترهای اجتماعی و فرهنگی پیش گفته پیوند می‌زند؛

- دوم، برخورداری از آگاهی‌ها و مهارت‌های روشی مورد نیاز در آزمون تجربی پدیده‌های بیرونی که ابزار شناخت و سنجش واقعیت خارجی جرم و راه‌کارهای رویارویی با آن در درون جامعه مورد مطالعه و همچنین معیار محک زدن دستاوردهای نظری مرتبط با موضوع در این گستره خاص است؛

- سوم، دانش حقوقی که به معنای شناخت شالوده‌های ایدئولوژیک و مبانی ارزشی و هنجاری قواعد و مقررات حقوقی، محتوای این قواعد و مقررات و همچنین آشنایی با نهادهای (قانون‌گذار و اجرایی) عمل‌کننده در درون نظامی است که باید

مجری دستاوردهای نظری و تجربی مطالعات جرم‌شناختی باشد. برخورداری از این دانش نیز از آنجا ضرورت می‌یابد که راه‌حل‌های احتمالی برخورد با یک پدیده مجرمانه، در درجه نخست، باید با توجه به ابزارها، مکانیسم‌ها، نهادها و راهبردهای موجود و پیش‌بینی شده در درون آن نظام تدوین شود و در صورت نیاز به تدوین ابزار، مکانیسم، نهاد و یا حتی راه‌بردی جدید، این کار می‌بایست با تکیه بر شالوده‌ها و مبانی ایدئولوژیک و ارزشی و هنجاری پذیرفته شده در این قلمرو صورت پذیرد.

این همه در حالی است که مثلاً دانشکده‌های حقوق کشور، مطالعه جرم را عمدتاً از چشم‌اندازی دستوری و هنجاری پی می‌گیرند و آن را نه به چشم یک واقعیت بیرونی که به عنوان نوعی مفهوم انتزاعی مطرح شده در چارچوب قوانین و مقررات موجود، مطالعه می‌کنند. در درون این محیط‌های آموزشی، چندان شور و شوقی پیرامون درس‌های مرتبط با مبانی فلسفی و نظری این دست مطالعات (برای مثال، مقدمه علم حقوق، فلسفه حقوق، جامعه‌شناسی حقوق و حتی مباحث نظری جرم‌شناسی) دیده نمی‌شود و در تعبیری چه بسا دقیق‌تر، به این نوع خردورزی‌ها به چشم فعالیت‌های «دست اول» حقوقی نگریسته نمی‌شود. افزون بر این، دست این‌گونه محیط‌های آموزشی و پژوهشی، به‌ویژه از ابزارهای معرفتی مورد نیاز در مطالعات تجربی خالی است.^۱ شاهد این ادعا نیز کمبود تأمل‌برانگیز مطالعات تجربی در میان پایان‌نامه‌های

۱. برای مثال، سبب وجود این نوع کاستی را می‌توان با نگاهی اجمالی به واقعیت‌های زیر دریافت:

- بخش عمده‌ای از پایه‌گذاران نظام حقوقی ایران، تحصیلات عالی خود را در فرانسه به پایان برده‌اند و این امر افزون بر آنکه موجب شده تا محیط‌های آموزش عالی رشته حقوق، به‌ویژه در دو قلمرو عمده حقوق خصوصی و حقوق جزا، در قالبی مشابه با استانداردهای موجود در کشور یاد شده تدوین شود، تأثیرپذیری عمیق نظام حقوقی ایران را از نظام حقوقی فرانسه (و عمدتاً دستاوردهای دوران کلاسیک آن) در پی داشته است؛

- این شباهت‌های عمیق و فراگیر، محیط‌های علمی معاصر این رشته در ایران را نیز ناگزیر نموده تا همچنان ارتباط جدی خویش را با مجامع دانشگاهی فرانسه و ادبیات حقوقی این کشور برقرار نگاه دارند؛

- از جمله شباهت‌های یاد شده می‌توان به متمرکز بودن فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی جرم‌شناختی در دانشکده‌های حقوق هر دو کشور اشاره کرد؛ و سرانجام، اینکه

- صاحب‌نظران نظام حقوقی فرانسه، به فقر مطالعات تجربی جرم و کجروی در آن کشور، بویژه آزمون‌های تجربی، اعتراف دارند و یافته‌های این قلمرو را در عرصه اثرگذاری جدی بر نظام‌های حقوقی و جزایی ناتوان می‌دانند. آنان در همان حال، یادآور می‌شوند که دستاوردهای نظری و تجربی مطالعه جرم در فرانسه، به شکلی جدی، بر یافته‌های مجامع علمی مونترال (مرکز ایالت فرانسوی زبان کبک در کانادا) متکی است و این مجامع نیز به مثابه پلی ارتباطی میان محافل جرم‌شناختی فرانسه و ادبیات غنی این رشته در امریکا عمل می‌کند (در خصوص دو محور اخیر برای نمونه، ر.ک: ایولاسال، ژان؛ «تحولات علوم جنایی

مقطع کارشناسی ارشد این دانشکده‌هاست؛ خصوصاً در گرایش «علوم جزایی و جرم‌شناسی» که خود را عهده‌دار مطالعات جرم‌شناختی این قلمرو معرفی می‌کند. از میان دیگر دانشکده‌های علوم اجتماعی که به‌ویژه خود را با گستره مطالعات تجربی مرتبط می‌دانند نیز می‌توان به رشته جامعه‌شناسی اشاره کرد؛ با این توضیح که در این محدوده، اصولاً توجهی به مطالعه اجتماعی پدیده‌های حقوقی مبذول نمی‌شود؛ چه رسد به آنکه ابعاد حقوقی مطالعات جرم و کجروی مورد توجه باشد. در درون دانشکده‌های یاد شده، دانشی به نام جامعه‌شناسی حقوقی (یا جامعه‌شناسی حقوق) معرفی نمی‌گردد. در همین اوضاع و احوال و در همان حال که دانشجویان دست کم یکی از گرایش‌های تثبیت شده در این رشته - یعنی، گرایش «تعاون و رفاه اجتماعی» - آینده شغلی خود را دارای ارتباطی درخور توجه با پیامدهای اجتماعی جرم می‌بینند، در مقطع کارشناسی، صرفاً به ارائه دو واحد «آسیب‌شناسی اجتماعی» اکتفا می‌شود. در برخی گرایش‌ها، دانشجویان پس از گذراندن دو واحد، فقط با «کلیات حقوق» آشنایی می‌یابند و در گرایش‌های متفاوت مقطع کارشناسی ارشد این رشته هم این عنوان درسی «سمینار جامعه‌شناسی» است که «می‌تواند» با مسائل مورد بحث ارتباط یابد.

بدین ترتیب، با اینکه در میان پژوهش‌های جامعه‌شناختی محققان و دانشجویان کشور، گرایش درخور توجهی به مطالعه جرم و کجروی مشاهده می‌شود؛ اما، تقریباً در درون تمامی این مطالعات - و به بیان دقیق‌تر، در تمامی محصولات نظری و تجربی این قلمرو - عنایتی به ارتباط موضوع با نظام حقوقی و ابعاد قانون‌گذاری و اجرایی آن وجود ندارد و به‌لوازم کاربردی نظریه‌های جرم و کجروی نیز توجهی نمی‌شود. حال آنکه این بخش از نظریه‌های یاد شده، دربردارنده راه کارهایی است که هر حوزه نظری خاص، در عرصه تدوین سیاست‌های رویارویی با این پدیده ارائه داده است. به تعبیر دیگر، این مباحث، نقطه اتصال تبیین‌های مختلف جرم و کجروی با فرایندهای تدوین سیاست‌های رویارویی با آن به حساب می‌آید و در واقع، دو عرصه نظر و عمل را به یکدیگر پیوند می‌دهد؛ «حلقه گم شده» ای که جای خالی آن، به‌ویژه در عرصه سیاست‌گذاری‌های بومی رویارویی با جرم، بسیار آشکار است.

در این میان، مشکل نبود ارتباطی جدی میان اندیشمندان این دو قلمرو و نیز غفلت نگران‌کننده آنها از مشترکات وحدت‌آفرین تلاش‌هایشان، بروخامت این واگرایی

افزوده است (هرچند می‌تواند یکی از علل آن نیز به حساب آید)؛ تا آنجا که برای نمونه، در فهرست منابع پژوهش‌هایی که با موضوع‌هایی مشابه، در درون هریک از دو قلمرو انجام می‌گیرد، کمتر می‌توان شاهد ارجاع سخن به منابع متعلق به حوزه دیگر بود. این همه نیز در حالی است که نمی‌توان تردید داشت که هر نوع پژوهش محدود شده در یک حوزه خاص - هرچند با دقت و وزانت کامل صورت پذیرفته باشد - دست کم، گام مؤثری در جهت بهینه‌سازی مکانیسم‌های بومی رویارویی با جرم بر نخواهد داشت و برای مثال، از ناکارآمدی‌های احتمالی ضمانت‌اجراهای جزایی یا مشکل پیش‌بینی - ناپذیری پیامدهای آنها نخواهد کاست.

شاهد این ادعا را می‌توان در این واقعیت آشکار دید که در هیچ یک از بخش‌های نظام قضایی کشور، خواه در قلمرو قانون‌گذاری و خواه در بخش اجرای قانون، هنوز جایگاهی رسمیت یافته برای «انجام» مطالعات تجربی - در هر دو بُعد تحلیل نظری و آزمون عملی - و تکیه بر یافته‌های این مطالعات پیش‌بینی نشده است. در هر حال، یکی از دلایل این کاستی، بی‌تردید آن است که گونه‌های بومی این فعالیت‌ها، تاکنون این توانمندی را از خود نشان نداده است که می‌تواند برای حل مسائل مورد توجه در این نظام مفید باشد و ... البته در این میان، گاه از نکته‌ای دیگر نیز به عنوان مانعی اساسی بر سر راه رشد و توسعه این دست مطالعات در ایران یاد شده است و هرچند با تعبیرهایی متفاوت، اما با درونمایه‌ای واحد، مورد تأکید گروهی از اندیشمندان حوزه‌های متفاوت علوم اجتماعی قرار گرفته است.

در نگاه این محققان، نکته یاد شده چیزی نیست جز نفوذ جدی موانع ارزشی و هنجاری (دینی) در هر دو قلمرو قانون‌گذاری و اجرای قانون. به بیان دقیق‌تر، اندیشمندان مزبور، مشکل را به مسئله صلابت و تغییرناپذیری قوانین در نظام حقوقی اسلام باز می‌گردانند و سبب این امر را هم شالوده‌های فقهی این نظام می‌دانند. به ادعای آنان، این وجود مبنای «ثبات» در احکام فقهی است که موجبات بی‌توجه ماندن مکانیسم‌های اجتهاد در فقه - و در پی آن، مکانیسم‌های قانون‌گذاری در نظام حقوقی حکومت اسلامی - را به عوامل تأثیرگذار زیستی، روانی و اجتماعی فراهم می‌آورد و مانعی جدی بر سر راه انعطاف‌پذیری قوانین اسلامی در برابر یافته‌های تجربی به حساب می‌آید.

البته، در میان آرای فقه‌پژوهان می‌توان گفتارهایی مؤید این سخن را مشاهده کرد. اما واقعیت آن است که دیدگاه‌های ارائه شده در این عرصه، طیفی گسترده از آرا و نظرات را تشکیل داده است؛ طیفی که دیدگاه یاد شده را می‌توان در یک سوی آن جای

داد و در سوی دیگر، نقطه‌نظرهایی را دید که کاملاً در تقابل با آن قرار دارد و مطلقاً، بر نبود «مبنای معتبر برای ملتزم ماندن به ثبات احکام فقهی، پای می‌فشرد. در درون این طیف هم دیدگاه‌های متعدد دیگری وجود دارد که در همان حال که وجود هر دو مبنای «ثبات» و «تغییر» را در خصوص احکام فقهی می‌پذیرد، گستره‌های متفاوتی را برای مصادیق این دو مضمون تصویر می‌کند.

به هر تقدیر، این گفتار نه فرصت کافی برای پرداختن به ابعاد بحث را دارد و نه از صلاحیت لازم برای ارائه نظر در این زمینه برخوردار است. گویانکه از یک سو، بخش عمده مشکل را ناشی از ریشه دواندن مبانی دیدگاه‌های کلاسیک در نظام حقوقی موجود در کشور می‌داند (واقعیتی که تعبیر دقیق‌تر آن، سیطره این دیدگاه‌ها بر هر دو عرصه قانون‌گذاری و اجرای قانون در این نظام است)؛ و از سوی دیگر، بر این باور است که هرگونه ادعا در این زمینه، صرفاً در صورتی از اعتبار علمی برخوردار خواهد بود که به عنوان یافته‌های دو دسته تحقیقات زیر ارائه شود:

- نخست، پژوهش‌هایی که مطالعه دیدگاه‌های «نظری» دین (متون دینی) را درباره پدیده‌های حقوقی - در معنای وسیع کلمه - موضوع کار خود قرار دهد و بکوشد تا رویکردهای متفاوت خرد و کلان جامعه‌شناختی، روان‌شناختی اجتماعی، روان‌شناختی و حتی زیست‌شناختی را در این دیدگاه‌ها متمایز ساخته و آنها را تا آنجا که ممکن است، در چارچوب یک الگوی نظری واحد تحلیل کند؛

- دوم، مطالعاتی «روش‌شناختی» که موضع نظام حقوقی اسلام و منابع تدوین مکانیسم‌های قانون‌گذاری و اجرای قانون در این نظام را در زمینه پذیرش یا رد مبانی مطالعات تجربی، تحلیل کند و در پی یافتن مجاری و راه‌کارها و همچنین موانع و محدودیت‌هایی برآید که در درون این نظام، برای استفاده از یافته‌های این نوع مطالعات وجود دارد.

واقعیت آن است که به‌رغم ضرورت حیاتی و تعیین‌کننده این‌گونه پژوهش‌ها برای کشور، جامعه علمی ایران تاکنون تحقق آنها را به نظاره ننشسته است. بخشی از دلایل این کاستی نیز آن است که انجام چنین پژوهش‌هایی، نیازمند احاطه داشتن محققان بر عرصه‌های علمی متفاوتی از جمله علوم اسلامی (به‌ویژه فقه)، حقوق، جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی و یا، دست کم، برخوردار بودن آنان از امکان فهم صحیح و نظام‌مند مباحث این حوزه‌هاست و این، پیوند مبارکی است که به تازگی شاهد به ثمر نشستن آن در گستره‌ای محدود از این جامعه هستیم. همچنین باید یادآور شد که نبود این

پیوند، خود یکی دیگر از دلایل بی‌رونقی مطالعه تجربی پدیده‌های حقوقی و شکوفا نشدن علوم مرتبط با آن در کشور بوده است.

حاصل آنکه، قلمرو ایرانی مطالعه جرم و کجروی همچنان دو دسته کاستی‌های زیر را در مسیر «بومی» شدن، فرا روی خود دارد؛ آن هم در حالی که این «بومی» بودن، یکی از پیش شرط‌های اساسی «کارآمد شدن» یافته‌های آن به حساب می‌آید: نخست، کاستی‌های ناشی از جدایی میان حوزه‌های معرفتی ذیربط که خود مانعی جدی بر سر راه پیشرفت‌های زیر است:

- بین‌رشته‌ای شدن آزمون‌های تجربی و در نتیجه، برخوردار گشتن آنها از چشم‌اندازی فراگیر و «واقعی» به مسأله؛
- وارد شدن نگاه این آزمون‌ها به درون نظام جزایی و توجه آنها به هردو فرایند قانون‌گذاری و اجرای قانون؛

- برخوردار شدن نظام یاد شده از توجهی که نظریه‌پردازان غیرایرانی جرم و کجروی به نظام جزایی کشورهای خویش معطوف دارند؛
دوم، نارسایی‌های ناشی از بومی نشدن مبانی نظری و روشی این حوزه که، دست کم، بخشی از آن، محصول ناشکفته ماندن دیدگاه‌های دینی ناظر به این دو عرصه است.

تلاش‌های همکاران مترجم

توجه به واقعیت‌های یاد شده، عده‌ای از محققان گروه علوم اجتماعی را در «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» بر آن داشته است تا به اقتضای رسالت و ساختار علمی این مؤسسه و همچنین امکان دسترسی همزمان خویش به مبانی و یافته‌های حوزه‌های تحقیقی پیش گفته، کار خود را در جهت برطرف ساختن این کاستی‌ها سامان دهند. در این میان، بخشی از هدف در قالب تدوین طرحی پژوهشی با نام «جامعه‌شناسی کجروی: با نگاهی به منابع اسلامی» سامان یافته است. این طرح بر آن است تا مسیرهای فهم جرم و کجروی را با تکیه بر تحلیل‌های نظری موجود در این عرصه و عمدتاً روایت‌های جامعه‌شناختی این تحلیل‌ها پی بگیرد و بدین وسیله، توجه خود را به بخشی از گستره نظری کاستی‌ها معطوف سازد. تحقیقی دیگر نیز هدف را در بُعد روشی کار پی‌گرفته است. این تحقیق، کار خود را با نام «مبانی رویکرد اجتماعی به حقوق» آغاز کرده است و می‌کوشد تا با تکیه بر منابع حقوق اسلامی، به امکان‌سنجی تحلیل اجتماعی پدیده‌های

حقوقی در قلمرو حقوق خصوصی بپردازد.

طرح نخست که کتاب حاضر یکی از محصولات آن است، رسیدن به هدف خود را با برداشتن گام‌های زیر میسر دیده است:

- نخست، تدوین یک «متن منبع» با محتوای مباحث جامعه‌شناختی درخور ارائه در باب جرم و کجروی، که در عین حال از دو ویژگی زیر هم برخوردار باشد: متکی ساختن مباحث بر منابع معتبر و روزآمد و بیان یافته‌ها در قالبی سامان‌مند و تقریباً فراگیر^۱؛

- دوم، ترجمه یک متن درسی جامع الاطراف در حوزه نظریه‌های جرم و کجروی که، چنانکه گذشت، نتیجه آن انتخاب و ترجمه کتابی است که پیش رو دارید؛
- سوم، ترجمه متنی تحقیقی که موضوع آن، توجه به نقش آموزه‌ها و رویکردهای دینی در خصوص مسائل مورد نظر در این حوزه باشد. این ضرورت نیز سبب شد تا همکاران، دست به کار ترجمه کتاب وزین دیگری با نام دین، کجروی و کنترل اجتماعی شوند^۲؛

۱. این محصول در سال ۱۳۸۱ و در قالب کتابی با نام جامعه‌شناسی کجروی تدوین شده و به عنوان کتاب نخست از «مجموعه مطالعات جرم و کجروی»، از سوی پژوهشکده حوزه و دانشگاه انتشار یافته است. مؤلفان کتاب، مسیرهای فهم «جرم و کجروی» را با بیان تحلیل‌های نظری موجود در حوزه مطالعه این پدیده پی‌گرفته و کوشیده‌اند تا سامان‌مندی و فراگیری یافته‌های خود را در ضمن ارائه آنها در محورهای پنج‌گانه زیر متحقق سازند:

- معرفی جرم و کجروی به عنوان یک «امر اجتماعی» و در پی آن، پرداختن به ابعاد علمی (روشی) و عملی تلاش‌هایی که در عرصه مطالعه جرم و کجروی و به‌ویژه فهم جامعه‌شناختی این پدیده صورت می‌پذیرد؛
- به دست دادن تعریفی فراگیر از کجروی که محصول بررسی ویژگی‌های اختلاف‌آفرین این پدیده و قرار دادن آنها در کنار مواردی است که محققان بر امکان پذیرش آنها به عنوان ماهیت و ویژگی‌های آن، اتفاق دارند؛
- بیان محورهای درخور توجه در کار به دست آوردن شناخت صحیح از کجروان و بزه‌دیدگان به عنوان کارگزاران انسانی رفتار کجروانه یا اساسی‌ترین مؤلفه‌های شکل‌گیری آن؛
- پرداختن به مضمون «تبیین» در علوم اجتماعی و معرفی نظام‌مند آن در حوزه تبیین جرم و کجروی؛ کاری که امکان آن در خلال دو مرحله زیر فراهم آمده است: نخست، بیان تبیین‌های گوناگونی که در سطوح متفاوت خرد و کلان درباره این پدیده ارائه شده است؛ دوم، دسته‌بندی تفصیلی این تبیین‌ها و بیان ملاک‌های ذکر شده برای آن دسته‌بندی‌ها؛

- بررسی مفهوم و ابعاد فرایند «کنترل اجتماعی» به عنوان مقصود نهایی محققان از مطالعه جرم و کجروی (به‌ویژه با توجه به لوازم کاربردی تبیین‌های مختلف این پدیده) و در نهایت، توجه به ابعادی که جامعه‌شناسان دین، جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان کجروی، آنها را محورهای اساسی «کنترل دینی» جرم و کجروی به شمار آورده‌اند.

۲. این کتاب در سال ۱۹۹۶ انتشار یافته و در حال حاضر در دست ترجمه است. نویسندگان کتاب - رادنی

- چهارم، ترجمه نهایی مجموعه مقالات مورد استفاده در تدوین کتاب یاد شده در بند نخست؛

- پنجم، محصول نهایی طرح که محتوای آن را بیان نظام‌مند و تطبیقی آموزه‌ها و رویکردهایی تشکیل می‌دهد که می‌توان به برآیند گزاره‌های موجود در قرآن کریم و متون روایی شیعه منتسب ساخت. به بیان دیگر، این مرحله از کار به کشف پیوندهایی اختصاص دارد که می‌تواند میان رویکردهای دینی موجود درباره جرم و کجروی و فهم جرم‌شناختی و جامعه‌شناختی این پدیده برقرار گردد.

درباره این کتاب

انتخاب متن حاضر^۱ به سبب برخورداری بودن آن از ویژگی‌های زیر صورت پذیرفته است:

- نخست آنکه، دربردارنده گستره‌ای وسیع از نظریه‌های گوناگون جرم و کجروی است. درونمایه‌ای ارزشمند که، چنانکه گذشت، جای خالی آن حتی در حوزه‌های غربی این مطالعه هم به شدت احساس می‌شود؛
- دوم آنکه، رویکردهای موجود در این قلمرو را به شرح زیر و در قالبی نظام‌مند، جامع، منطقی و یکسان تحلیل کرده است؛
- بیان مقدمه‌ای در باب آن نظریه و اوضاع و احوال اجتماعی شکل‌گیری آن؛
- شرح اصطلاحات و مفاهیم کلیدی مورد استفاده در نظریه مورد بحث؛

استارک و ویلیام سیمز بن بریج - که دو تن از اندیشمندان به‌نام در هردو حوزه جامعه‌شناسی دین و جامعه‌شناسی کجروی‌اند، با اشاره به خلای جدی که در قلمرو تحقیقات تجربی در خصوص تحلیل و آزمون مواضع تبیینی و کنترلی «دین» در برابر جلوه‌های متفاوت جرم و کجروی وجود دارد، اثر خود را «نخستین تحلیل جامع» در این عرصه معرفی کرده و ابعاد تحلیل خود را به شرح زیر سامان داده‌اند:

- بررسی ماهیت اجتماعی دین و جایگاه آموزه‌های آن در تحقیقات جامعه‌شناختی؛
- تحلیل اثرات جامعه‌شناختی «واقعی» دین بر رفتار و جایگاه و ابعاد این تأثیر (که با تکیه بر مفهوم «قدرت دین در تنظیم رفتار انسان‌ها» صورت پذیرفته و در دو محور زیر بیان شده است: تبیین جایگاه دین به عنوان یکی از منابع اجتماعی و اخلاقی عمده «همبستگی اجتماعی»؛ و تحلیل جایگاه «فرقه‌های دینی که در پی چالش با فرهنگ‌های غیردینی غالب، به عنوان خرده فرهنگ‌هایی کجرو معرفی می‌شوند؛ اما در همان حال، از کارکردهایی موثر در زمینه بازدارندگی از کجروی برخوردارند)؛
- پیشنهاد راه کارهای کلی برای نظریه‌پردازی‌ها و تحقیقات تجربی آتی (برای اطلاع بیشتر از درونمایه‌های این کتاب، رک: استارک، رادنی و ویلیام سیمز بن بریج؛ «دین، کجروی و کنترل اجتماعی»؛ ص ۱۷۰-۱۹۴).

۱. مشخصات کتاب‌شناختی متن انگلیسی به شرح زیر است: White, R.D. & F. Haines (2000)[2001].

Crime and Criminology: An Introduction. (2nd. ed.). New York: Oxford University Press.

- تاریخچه تحولات انجام پذیرفته در آن حوزه نظری؛

- بیان روایت‌ها و کاربردهای معاصر هر دیدگاه؛

- نقد نقاط قوت و ضعف و نیز بررسی سهم آن در تعالی مطالعات

جرم‌شناختی؛

- سوم آنکه، به سبب برخورداری از ویژگی‌های زیر، دقت‌ها و ظرایف مورد نیاز

در کار آموزش و یادگیری یافته‌های این حوزه را در درون خود جمع آورده است: اینکه،

محصول سال‌ها تدریس نویسندگان در این عرصه است؛ اینکه در قالب یک «متن

درسی» نگارش یافته است؛ و اینکه با هدف ارائه «مقدمه‌ای گویا بر مفاهیم و تبیین‌های

جرم‌شناختی» تدوین شده است^۱ و از دو ویژگی شایان توجه زیر برخوردار است:

- فراتحلیل تبیین‌های مختلفی که در این حوزه ارائه شده است و بیان جایگاه

خاص هر تبیین در قلمرو کلی مطالعه و تحلیل جرم؛

- شرح درونمایه‌های آنها در قالب‌هایی یکسان که در سطور پیش گفته شد.

- چهارم آنکه، این ویژگی‌ها با بیان موجز و مفید نویسندگان، جمع آمده و مجالی

بسیار مناسب را برای فهم بهینه هر دیدگاه نظری و کانون‌های اصلی توجه آن و همچنین

مقایسه دیدگاه‌ها با یکدیگر فراهم آورده است. این همه نیز در حالی است که جای خالی

چنین متنی در میان منابع فارسی موجود، کاملاً آشکار است؛

- پنجم، اعتبار علمی متن که هم محتوا بر آن دلالتی آشکار دارد و هم این نکته که

نشر دانشگاهی آکسفورد، در فاصله سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱، ده بار به چاپ آن

مبادرت ورزیده است (ویراست نخست در فاصله سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ هشت بار

تجدید چاپ شده و چاپ دوم - یا آخرین چاپ - ویراست اخیر نیز در سال ۲۰۰۱ انتشار

یافته است)؛

- ششم، به‌روز بودن متن و افزون بر آن، به بازار آمدن ویراست دوم کتاب در سال

۲۰۰۰؛ نکته‌ای که در عین حال، سبب شد تا مترجم، به‌رغم آنکه ترجمه ویراست

نخست را به پایان رسانده بود، از ارائه آن برای چاپ خودداری ورزد و دست به کار

آماده‌سازی متن حاضر شود که محصول ترجمه ویراست اخیر همراه با از قلم نیانداختن

مباحث شایان ذکر از ویراست پیشین است؛

- هفتم آنکه، درونمایه کتاب، شاهدی گویا بر پیوند تنگاتنگ رشته‌های حقوق،

1. White, R. & F. Haines (1996). *Crime and Criminology: An Introduction*. p. v.

جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی کجروی است؛ واقعیتی که پیشتر درباره اهمیت آن، سخن گفته شد. شاهد این ادعا از یک سو، این نکته است که نویسندگان، مخاطبان کتاب را دانشجویان و دانش پژوهان هر سه رشته می‌دانند و چنانکه خواهیم دید، خود هم در هر سه رشته فوق، این مباحث را در قالب عنوان‌های درسی «جرم‌شناسی» و «جامعه‌شناسی کجروی» تدریس می‌کنند. در عین حال، مقایسه محتویات کتاب با منابع جامعه‌شناختی کجروی^۱ نیز از مشابهت مباحث و همگرا بودن نگاه نویسندگان به مسأله حکایت دارد. در هر حال، ضرورت یادآوری این نکته و همچنین نکته‌های نخست و سوم به مخاطبان کتاب، سبب شده است تا مترجم، تعبیر «جرم و جرم‌شناسی: متن درسی نظریه‌های جرم و کجروی» را برای عنوان مجموعه حاضر برگزیند؛ در حالی که تعبیر «مقدمه‌ای بر جرم و جرم‌شناسی»، برگردان دقیق‌تری از عنوان متن اصلی است؛

- هشتم آنکه، نویسندگان به محافل امریکایی یا اروپایی مطالعه جرم و کجروی که پدید آورنده بخش عمده‌ای از ادبیات رایج این حوزه است، تعلق ندارند. این نکته نیز آنان را بر آن داشته است تا افزون بر توجه عمیق به خزانه غنی این مطالعات در امریکای شمالی و اروپا و به‌ویژه انگلستان، اهتمامی جدی به بیان ادبیات بومی جامعه خود داشته باشند؛ کاری که تصویری خاص از بومی‌سازی این‌گونه یافته‌ها به دست می‌دهد و می‌تواند الگویی برای هواداران این مهم به شمار آید و یا، دست کم، مورد توجه آنان قرار بگیرد؛ و سرانجام،

- نهمین یا درخور توجه‌ترین ویژگی، عنایت جدی کتاب به پیوند دادن دغدغه‌های تبیینی هر نظریه خاص با راه کارهایی است که آن نظریه در عرصه سیاست‌های کنترلی جرم و کجروی ارائه می‌دهد؛ بحثی که، چنانکه گذشت، نقطه تلاقی میان دو قلمرو نظر و عمل در فرایند رویارویی با جرم محسوب می‌شود و جای خالی آن، به‌ویژه در عرصه‌های ایرانی این رویارویی به‌خوبی محسوس است.

درباره نویسندگان

نویسندگان کتاب عبارتند از: پروفیسور رابرت داگلاس (راب) وایت^۲ و همکار گرامی ایشان، خانم دکتر فیونا هینز^۳. پروفیسور وایت هنگام تدوین ویراست نخست، وظایف

۱. از جمله: Downes, D. & P. Rock (1998). *Understanding Deviance: A Guide to Sociology of*

Crime and Rule Breaking. (3rd ed.). U.S.A.: Oxford University Press.

2. Prof. Robert Douglas (Rob) White.

3. Dr. Fiona Haines.

علمی خود را در مرتبه دانشیار پژوهشی و در گروه جرم‌شناسی دانشگاه ملبورن استرالیا به انجام می‌رساند و اینک با احراز مرتبه استادی، مدیریت گروه جامعه‌شناسی و همچنین ریاست واحد تحقیقات جرم‌شناسی را در دانشکده «جامعه‌شناسی و مددکاری اجتماعی» دانشگاه تاسمانی این کشور برعهده دارد. قلمرو اصلی تحقیقات پروفیسور وایت، رشته جرم‌شناسی است و در کنار آن، در حوزه‌های مطالعاتی دیگری از جمله «مطالعات جوانان»^۱، «بوم‌شناسی اجتماعی»، «خانه‌سازی و مطالعات اجتماعی» و «نظارت محیطی»^۲ به فعالیت پرداخته است.

عمده محصولات انتشار یافته از فعالیت‌های او در این حوزه‌های پژوهشی، بجز کتاب حاضر، مشارکت در تدوین پنج کتاب به عنوان یکی از نویسندگان اصلی آنهاست.^۳ همچنین، از دیگر مواردی که می‌توان به عنوان محصول تلاش‌های او در خلال سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳ بدان اشاره کرد، به اختصار، عبارت است از: مشارکت در تدوین پنج کتاب دیگر با تهیه یکی از فصل‌های آن، مشارکت در اجرای پنج طرح پژوهشی، بیست و پنج مقاله منتشر شده در نشریه‌های علمی و تدوین بیش از بیست و سه مقاله دیگر که در قالب‌های متفاوت ارائه در سمینارهای پژوهشی، گزارش‌های علمی و مانند آن عرضه شده است.

در حال حاضر نیز او واحدهای درسی زیر را در دو دانشکده جامعه‌شناسی و حقوق دانشگاه تاسمانی تدریس می‌کند: «جرم و دستگاه جزایی»^۴، «جامعه‌شناسی کجروی»، «جامعه‌شناسی جوانان» و «جامعه‌شناسی حقوق». از دیگر مناصب آموزشی

1. youth studies.

2. environmental regulation.

۳. این کتاب‌ها، به ترتیب سال نشر، عبارت است از:

* White, R.D. & C. Alder (eds) (1994). *The Police and Young People in Australia*. Melbourne: Cambridge University Press.

* Cunneen, C. & R.D. White (1995). *Juvenile Justice: An Australian Perspective*. Melbourne: Oxford University Press.

* White, R.D. & S. Perrone, (1997). *Crime and Social Control*. Melbourne: Oxford University Press.

* White, R.D. (ed) (2000). *Australian Youth Subcultures: On the Margins and In the Mainstream*. Hobart: Australian Clearinghouse for Youth Studies.

* Massina, M.J. & R.D. White (2002). *Beyond Imprisonment: Conference Proceedings*. Tasmania: University of Tasmania.

4. crime and criminal justice.

پروفسور وایت همچنین می‌توان به ایفای نقش ایشان به عنوان استاد راهنمای پایان نامه‌ها و رساله‌های مقاطع تحصیلات تکمیلی در دو دانشکده یاد شده اشاره کرد.^۱

خانم دکتر هینز همچنان در مرتبه مربی ارشد گروه جرم‌شناسی دانشگاه ملبورن انجام وظیفه می‌کند. او مدارج عالی کارشناسی و دکترای خود را با اخذ درجه ممتاز در همین دانشگاه به پایان برده و بالاترین جایزه دولتی این کشور را در گروه هنر و علوم اجتماعی، در ازای رساله دوره دکترای خویش دریافت نموده است. عمده دغدغه پژوهشی خانم دکتر هینز، موضوع «نظارت بر شرکت‌ها»^۲ است. در این خصوص، او کانون توجه خود را عمدتاً به دو مسأله ایمنی و بهداشت در محیط‌های صنعتی و بی‌احتیاطی شرکت‌ها معطوف ساخته و پنج طرح پژوهشی را در همین راستا به انجام رسانده است.

به جز این کتاب، دیگر محصولات منتشر شده از فعالیت‌های پژوهشی او را در فاصله سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۳، می‌توان به شرح زیر برشمرد: تدوین یک کتاب به صورت مستقل^۳، بیش از نه مقاله منتشر شده در نشریه‌های علمی و افزون بر ده مقاله و گزارش علمی ارائه شده در سمینارهای پژوهشی، و مانند آن. دکتر هینز همچنین در حوزه‌های مختلفی از جمله «جامعه‌شناسی جرم و کجروی» و «نظارت، اطاعت و جرم»^۴ به تدریس اشتغال دارد و در حال حاضر، واحدهای درسی «اداره مطالعات میدانی» و «سمینار رساله‌های جرم‌شناسی» را به دانشجویان همین دانشگاه ارائه می‌کند. او در همین حال، سمت هماهنگ کننده مدارج عالی کارشناسی، مقالات پایان ترم دوره کارشناسی ارشد جرم‌شناسی و گواهی نامه مدارج کارشناسی ارشد و دکترای این رشته را نیز در این دانشگاه برعهده دارد.^۵

درباره این ترجمه

نخستین نکته شایان ذکر در این بخش، این ادعاست که مترجم در تمامی مراحل برگردان متن، «جمله» را به عنوان «واحد ترجمه» در نظر داشته است. با این حال، به نظر می‌رسید

۱. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: <http://fcms.its.utas.edu.au/arts/sociology/pagedetails.asp?lpersonId=1838>

2. corporate regulation.

3. Haines, F. (1997). *Corporate Regulation: Beyond 'Punish or Persuade'*. Oxford: Clarendon Press.

4. regulation, compliance and crime.

۵. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: <http://www.criminology.unimelb.edu.au/staff/fiona.html>

که نویسندگان، شیوه تقطیع کامل جمله‌ها را در کار نگارش متن برگزیده‌اند و این تدبیر، ابهام‌هایی را در خصوص نحوه ارتباط یک جمله با جملات قبل و بعد خود در پی داشته است. البته آشکار بود که وجود این ابهام‌ها، در ادبیات انگلیسی و در درون یک متن تخصصی که به این زبان نوشته شده و از پشتیبانی پیشینه غنی و روزآمد این حوزه برخوردار بود، چندان به چشم نمی‌آید؛ اما با روانی و شفافیت مورد نیاز برای بیان مفاد یک «متن درسی فارسی زبان» سازگاری نداشت و این ناسازگاری، در جمع با مقتضای ادبیات زبان فارسی و نیز کمبود منابع روزآمد جرم‌شناختی در کشور، خود را با وضوح بیشتری نشان می‌داد.

حاصل آنکه، این مشکل سبب شده است تا در کار برگردان، انجام تغییراتی «جزئی» مجاز به نظر برسد؛ با اینکه در هر حال، سعی شده تا به ساختار اصلی جمله، لطمه‌ای وارد نیاید. به بیان دیگر، مترجم از یک سو کوشیده است تا با رعایت اصول ترجمه، سخن نویسندگان را آن‌گونه که خود بیان داشته‌اند، به محضر مخاطبان عرضه بدارد و از سوی دیگر، آنچه را در توان داشته به کار گرفته است تا استفاده از یافته‌های کتاب را در کامل‌ترین شکل آن ممکن سازد. با این امید که امانت نویسندگان و مخاطبان، هردو را پاس نهاده باشد.

با این همه، نباید کار را از کاستی‌های خاص خود بری دانست؛ کاستی‌هایی که ممکن است مخاطب را در ابعاد متعددی بیازارد؛ ابعادی از روانی و فهم‌پذیری بیان گرفته تا تفسیر دقیق نکات و در نتیجه، برگردان صحیح آنها و همچنین گزینش معادل‌های مناسب. البته در این میان، گزافه نگفته‌ایم اگر وجود این کاستی‌ها را ناشی از جدایی تأثیربرانگیزی بدانیم که در مجامع علمی و دانشگاهی ایران، میان رشته‌های مرتبط با مباحث جرم‌شناختی وجود دارد و دست مترجم و امثال او را از دسترسی آسان و فراگیر به پیشینه روزآمد این حوزه کوتاه ساخته است. اما واقعیت آن است که کوتاه‌دستی‌های این کار، به هر حال، برعهده مترجم است و او تنها راه‌پوش خواستن را برای خود باز می‌داند.

نکته دیگر، محورهایی است که در خلال ایام، به کار ترجمه افزوده شده و سبب آن، وجود نیازها و مقتضیاتی بوده است که به نظر می‌رسید فضای بومی آموزش و پژوهش این مباحث با آن رو در رو است؛ بدین شکل که:

- جدایی‌های یاد شده در جامعه علمی ایران سبب شده است تا مترجم، شرح شماری از واژگان اساسی رشته‌های مختلف این حوزه را در دستور کار خود قرار دهد؛

با این هدف که برای مجموع مخاطبان، زمینه‌ای - هرچند ابتدایی - برای فهم بهینه مطالب فراهم آید؛

- فاصله زمانی نسبتاً درخور توجه میان ادبیات معاصر این رشته در کشورهای غربی و غالب آثار فارسی زبان این عرصه، موجب شده است تا افزون بر موارد یاد شده در بند پیش، به شرح واژگان نو ورود و همچنین مضمون‌هایی اقدام گردد که در پیشینه فارسی این حوزه مشاهده نمی‌شود؛

- به منظور آسان ساختن دسترسی به شرح‌های یاد شده، واژگان و مضمون‌های مورد اشاره در دو بند پیش و همچنین فهرست معادل‌های برگزیده برای آنها، در ضمن دو نمایه مستقل فارسی (با حدود ۲۳۰ مدخل) و انگلیسی (تقریباً با ۲۵۰ مدخل) فهرست شده است؛

- دلایل بالا، همچنین این انگیزه را فراهم آورده است تا مترجم به تهیه واژه‌نامه تخصصی کتاب اهتمام ورزد و در این راستا، حدود ۱۱۰۰ واژه را از میان موارد زیر برگزیند: واژه‌های تخصصی جدید، اصطلاحات کلیدی رشته‌های مرتبط با قلمرو بحث، واژگان و یا ترکیب‌های خاص نایاب در فرهنگ‌های موجود و ...؛

- در دسترس بودن دو ویراست کتاب و در کنار آن، این نکته که به نظر می‌رسید بخش عمده‌ای از مطالب حذف شده در ویراست دوم، همچنان برای فضای علمی کشور تازگی دارد، سبب شده است تا مترجم، نکات یاد شده را از قلم نیندازد و در عین حال، برای حفظ انسجام این متن که با نام ترجمه ویراست دوم عرضه می‌شود، خلاصه آن نکات را در پاورقی بیاورد.

سرانجام آنکه، به نظر می‌رسد وجود ویژگی‌های یاد شده در مجموعه حاضر، امتیازات مورد نیاز یک «متن درسی نظریه‌های جرم‌شناسی» را در آن جمع آورده و این کتاب را برای تدریس در حوزه‌های مطالعاتی جرم و کجروی در کشور و برآوردن هدف‌های تعریف شده در سطوح مختلف کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های حقوق، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی، روان‌شناسی و علوم تربیتی مناسب ساخته است؛ نکته‌ای که سبب می‌شود تا بتوان مفاد آن را برای تدریس در واحدهای درسی «جرم‌شناسی»، «آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی کجروی)»، «جامعه‌شناسی جزایی» و مانند آن پیشنهاد کرد.